

بررسی تاثیر قصه های قرآن در تربیت کودکان

نصیبه تاری^۱، فضیلت تاری^۲، سید امین شانه دشتی^۳

چکیده:

هدف از این مقاله بررسی تاثیر قصه های قرآنی در تربیت و به خصوص تربیت کودکان می باشد. برای این منظور در این پژوهش سعی شده ابتدا با توجه به مفهوم و اهداف قصه های قرآنی و همچنین فلسفه وجودی قصه های قرآنی، به تاثیر و نقشی که قصص قرآن بر جنبه های مختلف تعلیم و تربیت کودکان دارند پرداخته شود.

واژگان کلیدی: قصه های قرآنی، تربیت، کودکان

۱- مقدمه

قصه گویی در طول تاریخ مورد علاقه بشر بوده و به همین دلیل، قصه یکی از ابزارهای مهم اصلاح رفتار محسوب می شود. قرآن کریم نیز به نیاز بشر و گرایش او به قصه توجه نشان داده و با تاکید بر علایق طبیعی انسان بسیاری از مباحث ظریف اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی را در قالب زیباترین داستانها طرح می نماید. خداوند در سوره های متعدد قرآن کریم از طریق نقل داستان گذشتگان سعی در هدایت و تربیت و اصلاح رفتار بشر داشته است. حتی خداوند خود را قصه گو می خواند و خطاب به پیامبر خود می فرماید: ما بهترین قصه ها را به وحی این قرآن بر تو می گوئیم (سوره یوسف، آیه ۱۳).

^۱-دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، آموزش و پرورش شهرستان شهریار nasibe.tari@yahoo.com، ۰۹۱۱۹۵۷۹۴۰۰

^۲-کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه مازندران، آموزش و پرورش شهرستان نوشهر، ۰۹۱۱۹۱۳۸۷۶۲

^۳-کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، آموزش و پرورش شهرستان شهریار، shanedashti.amin@yahoo.com، ۰۹۱۲۶۱۸۰۰۳۹

همچنین، داستان ها و قصه ها نقش سازنده ای را در تربیت و شکل گیری شخصیت انسان ایفا می کنند و از همین روی خداوند متعال جهت تکامل و تعالی بشر در ابعاد مختلف از این قالب هنری به بهترین وجه ممکن، استفاده نموده و خود به عنوان اولین قصه سرا، بهترین و شیواترین و جذابترین قصه ها را در نسخه ی جاوید خویش در اوج فصاحت و بلاغت سروده و با ارائه ی اسوه های حسنه والاترین مضامین و مفاهیم تربیتی را در تمامی زمینه های اعتقادی، اخلاقی و عبادی در آن تبیین نموده است بی تردید تربیت اسلامی یکی از اساسی ترین بخش های معارف اسلامی است ارائه معارف دینی به کودکان باید متناسب با ویژگی های رشدی آنان باشد. شناساندن این معارف بخصوص به کودکان که هنوز به قابلیت های ذهنی دست نیافته اند از حساسیت خاصی برخوردار است قصه ها شامل مفاهیم ارزشمندی است که بر جوانب رشد کودکان تأثیر دارد چنانچه انتخاب قصه و به چالش کشیدن مفاهیم برگرفته از آن، مطابق با ظرفیت های آنان باشد موجب می شود تا کودکان بیشتر بتوانند با دین ارتباط برقرار کنند (سلیمان نژاد و سودی، ۱۳۹۳). لذا امروز قصه ها نه به عنوان یک هنر تربیتی توجه بسیاری از متفکران و اندیشمندان و روانشناسان را به خود جلب نموده و در مراکز علمی و تربیتی بانی از ابواب علم را نیز به خود اختصاص داده است اما بالاتر از همه این تمدن اسلام است که در مکتب توحیدی خویش، جهت تربیت انسان، از قصه به بهترین وجه استفاده نموده و در این راستا، خدای سبحان بهترین قصه ها را در قرآن این کتاب آسمانی و جاوید به شیواترین و بلیغترین شیوه ها به تصویر کشیده است. «نحن نقص عليك احسن القصص» (سوره یوسف، آیه ی ۳) در این راستا، مفسرین و سیره نویسان از ابتدا نزول قرآن تاکنون در خصوص قصص قرآنی کتب متعدد و ارزنده ای را نگاشته اند. اما غالباً به صورت مجمل به نقل داستان بسنده کرده و کمتر به تجزیه و تحلیل نکات تربیتی آن پرداخته اند لذا پژوهش حاضر سعی دارد تا تحلیل تربیتی تأثیر قصه های قرآنی را بر کودکان مورد بررسی قرار دهد. براین اساس سوال پژوهش تأثیر قصه های قرآن بر تربیت کودکان چیست؟ بنابراین در این مقاله سعی شده ابتدا اهداف تربیتی قصص در سه قسم، اعتقادی اخلاقی و عبادی اشاره شود و سپس فلسفه قصه های قرآنی بیان گردد و در ادامه بهره گیری از قصص قرآنی در تربیت کودکان بیان گردد

۲- روش شناسی

این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

۳- بحث درباره یافته ها

قصه در لغت به معنای حکایت، داستان و سرگذشت آمده است (معین، ۱۳۷۵) «قصه بر وزن «فعلة» مصدر نوعی از فعل «قَصَّ» به معنای خبر، حدیث، بخشی از سخن، امر، آنچه نوشته شود، شأن، داستان، حال، کار، سخن، رمان و قصه ای که نوشته شود، آمده است» (ملبولی، ۱۳۷۶، ص ۱۷) در تعریف قصه قرآنی باید گفت قصه در قرآن مفهوم خاص دارد و می-توان آن را، اینگونه تعریف کرد: «قصه قرآنی عبارت است از روایت و نقل وقایع و حوادث واقع و حقی که از روی علم با هدف و پیامی مشخص، پیگیری می شوند.» (همان، ص ۹۴)

"قصه" در لغت یعنی پی گرفتن یا پی گرفته اثر پیشین. در قرآن کریم می خوانیم: وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (قصص/۱۱). و به خواهر او گفت: از پیوی برو. و زن بی آن که آنان دریابند از دور در او می نگرست (قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَأَرَادَ عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا.) (کهف/۶۴). گفت: آن جا همان جایی است که در طلبش بوده ایم. و نشان قدم های خود را پی گرفتند و باز گشتند

همین کاربرد در روایات نیز به چشم می خورد. برای نمونه، بجاست از این روایت نبوی یاد کنیم (إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمَّا قَصُّوا هَلْكَوا) این جا همان معنا که گفتیم نمود دارد؛ یعنی بنی اسرائیل آن گاه که دست از عمل کشیدند و فقط به قصه پردازی و داستان سرایی مشغول شدند، هلاک گشتند. البته این روایت همچنان که شاهدهی برای معنای لغوی «قصه» است، اشاره ای ظریف به کارکرد منفی قصه نیز دارد؛ و آن هنگامی است که قصه پردازی سد راه عمل و تکاپو باشد. بدیهی است که نخستین

شرط چنین قصه ای خرافه بافی و باوه پردازی و پایه گذاری بر تخیلات صرف است که روح تلاش و زندگی و آرمان گرایی را در انسان سرکوب می کند. (حسینی، ۱۳۷۸).

۱-۳ اهداف قصه های قرآنی

الف) اهداف شناختی-معرفتی: دین به عنوان منشوری فرهنگی، متکفل تبیین حقایق و توضیح معارف پیچیده و اسرار آفرینش، برای نظام بخشیدن به اندیشه و خرد، و جهت دادن به رفتار و گرایش ها می باشد. گاه معارف غیر محسوس و مجرد، در قالب داستان های حس برانگیز و تجربه های عینی گذشتگان، پلی مناسب برای فهم و درک می یابند و از این رو قرآن در قالب تشبیه، تمثیل، قصه ای حقیقی و ماجراهای اقوام و ملل به جهت دهی فکری و تربیت شناختی اقدام نموده است. اینچنین است که هر نکته ای که در مسیر هدایت و فهم دینی لازم بوده است در قالب های قصص قرآنی تبیین و تشریح شده است. بیشترین تأکید قصه های قرآن در اهداف معرفتی تبیین سردین و حاملان آن یعنی انبیاء، و حمایت از آنان و ترسیم خطوط کلی معارف دین و راز بنهفته در دستورات شریعت بوده است. (مرویان حسینی، ۱۳۸۴)

ب) اهداف اجتماعی-تاریخی اسلام: یکی از اجتماعی ترین ادیان و مکاتب می باشد. قرآن به مقوله های اجتماعی از قبیل آداب روابط جمعی، رمز و راز پیروزی یا شکست ملت ها و تحلیل سنن و رسوم گروه های اجتماعی، اقوام برتر و نمونه، چرایی نعمت یا نعمت الهی، در قالب هایی متنوع، از جمله قصص قرآنی پرداخته است و همه اینها را فرا راه بشریت می نهد تا برنامه زندگی آینده خویش را به درستی تشخیص دهند و ترسیم نمایند. قرآن تاریخ پیامبران، امت و شاهان را به صورت تابلوهایی زنده و متحرک در ضمن داستانهای خویش بازسازی می کند، به گونه ای که وقایع تاریخی به شکل وقایع حال حاضر نمود می یابد و بسیاری اوقات با فعل (الم تر) مردم را به مشاهده حوادث تاریخی و درس گرفتن از آنها ترغیب می نماید. امام علی علیه السلام به فرزند خویش می نویسد: اخبار گذشتگان را بر قلبت عرضه نما... و در دیار و آثار باستانی آنان گردش کن و بنگر که چه کردند، از کجا به کجا شدند و کجا بار گشودند و در کجا فرود آمدند... پسرکم! هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده اند، نزیسته ام، اما در کارهایشان نگریده ام و در سرگذشت هاشان اندیشیده ام، و در آنچه از آنان مانده، رفته و دیده ام تا چون یکی از ایشان گردیده ام، بلکه با آگاهی که از کارشان به دست آورده ام گویی چنان است که با نخستین تا پسینشان به سر برده ام. پس از آنچه دیدم روشن را تار و سودمند را از زیانبار باز شناختم و برای تو از هر چیز زنده آن را جدا ساختم، و از میان همه آنها زیبایی را برایت انتخاب نمودم. (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

ج) اهداف اخلاقی-تربیتی: یکی از بهترین ادله ضرورت بعثت انبیاء علیهم السلام، سامان بخشیدن به نابسامانی های اخلاقی است تا انسانهای بد آموخته را به انسانهایی سالم و فرزانه تربیت کند. قرآن کریم، مجموعه ای متنوع و کامل در قالب های گوناگون از مفاهیم اخلاقی-تربیتی برای هدایت و کمال بخشی به آدمی است. قالب داستانی در عین جذابیت و ترسیم گری، الگوهای فراوانی را در مباحث مختلف اخلاقی ارائه می کند و به صورت عینی و تجربی، انسان مؤمن به خویش را در معرض رویدادهای گذشتگان قرار می دهد تا باور کند و متحول شود. (مرویان حسینی، ۱۳۸۴).

درنگاهی دیگر اهداف تربیتی قصص را در سه موضوع « اعتقادات ، عبادات ، اخلاقیات » می توان تقسیم نمود

اهداف تربیتی قصه های قرآنی ، در راستای هدایت تشریحی خداوند متعال در قرآن کریم می باشد

قرآن با بیان سرگذشت های عینی و حقیقی ، انبیاء علیهم السلام و اقوام گذشته ، در قالب هنری به شکل داستان ، راه رسیدن به کمال و دوری جستن از رذائل را به انسان آموزش می دهد.

تبیینی از هدف اعتقادی:

از آنجا که مخاطبین قرآن کریم غالباً عوام و توده مردم می باشند . خداوند متعال ، در کنار مسائل بالایی فلسفی و کلامی ، بسیاری از مسائل اعتقادی اعم از توحید ، نبوت ، امامت ، و ... را به شکل داستان تبیین نموده تا عموم مردم از آن بهره مند گردند. از جمله اهداف اساسی دنبال شده در قصص قرآنی ، تربیت فکری و اعتقادی مردم می باشد ، این هدف را می توان در لسان و رفتار انبیاء علیهم السلام و ... به وضوح مشاهده نمود برای نمونه حضرت نوح «ع» در صحنه های مختلف قومش را به خداپرستی دعوت می نمود اما به جز تعداد معدودی به وی ایمان نیاوردند ، و اما سرنوشت مؤمنین و تکذیب کنندگان وی «پس او را تکذیب کردند ، و ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند نجات دادیم ؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم ؛ زیرا آنان گروهی کوردل بودند . (اعراف/ آیه ی ۶۴)

بنابراین می توان نتیجه گرفت ، که اولین و مهمترین اهداف تربیتی قصص قرآنی تربیت اعتقادی انسان ها بر محوریت «خدا پرستی و نفی شرک و بت پرستی» می باشد

۲-۳ تبیینی از اهداف اخلاقی و تربیتی:

خداوند متعال ، جهت تزکیه نسل بشر با ذکر سیره ی بعضی انبیاء و اولیاء ، نمونه های عینی را در قالب قصه ترسیم نموده تا عبرتی جاوید باشد برای همگان ، که در این جا به برخی از آنها اشاره می گردد

- **توکل:** برای نمونه در زندگی سراسر الگویی پیامبر اسلام ، وقتی دقت کنیم خواهیم دید که ایشان در تمام طول رسالت خویش در فراز و نشیب های مختلف همواره بر خدای یکتا توکل می نمود ، از جمله در امر جنگ خدا به او فرمان می دهد با اصحاب خود مشورت کن و اگر تصمیم قطعی گرفتی بر خدا توکل کن در (سوره ی آل عمران / آیه ۱۵۹) . به این نکته اشاره شده است

- **تقوا:** خداوند متعال بهترین زاد و توشه ی آخرت را تقوا معرفی نموده و می فرماید: "بهترین توشه این راه تقوا است و از من بپرهیزید و خدا ترس شوید ای صاحبان عقل و ادراک « (سوره بقره / آیه ۱۹۷) بر این اساس ، می توان یکی از فضائل ارزنده انسان را که روی آن بسیار تأکید شده «تقوا» دانست و روی همین اصل در قصص قرآنی هم موارد زیادی از تقوای عملی انبیاء (ع) به تصویر کشیده شده است . پس از آنکه حضرت یوسف در آزمونی بزرگ دامن خود را از گناه حفظ کرد ، خداوند متعال هم بالافاصله کید زلیخا را آشکار کرد و سرانجام آن حضرت آزاد گردید و به خاطر همین پرهیزکاری که داشت به مقامات بالایی رسید . در (سوره ی یوسف / آیه های ۵۷ - ۵۶) به این موضوع اشاره شده است.

- **صبر:** از جمله فضائل اخلاقی ، که هر انسان مؤمنی باید بدان متصف باشد صبر به معنای اعم آن می باشد پیامبر اسلام (ص) صبر را بر سه قسم دانسته و می فرماید: «الصبر ثلاثه: صبر عند مصیبه و صبر علی الطاعه و صبر عن المعصیه»

لذا وقتی به داستان های قرآن مراجعه می کنیم به جلوه های مختلفی از اقسام صبر بر می خوریم حضرت ایوب اسوه ای صابر در تمام زمینه ها بود و خداوند داستان وی را جهت عبرت اندوزی مردم نقل فرموده تا به این صفت اخلاقی خود را آراسته و از زمره صابران قرار گیرند حضرت یوسف اسوه صبر در برابر گناه بود و از جمله پیامبرانی است که از قصه او می توان عبرت های زیادی گرفت

۳-۳ تبیینی از اهداف عبادی

یکی دیگر از اهداف و آثار بزرگ قصص قرآنی ، پس از اهداف اعتقادی ، توجه دادن انسان به عبادت و بندگی خداوند متعال و همچنین تشریح و تبیین احکام عبادی توسط انبیاء عظام علیه السلام می باشد که این عبادات در نماز ، حج ، زکات ، روزه ، خمس و جهاد ، امر به معروف و نهی از منکر تجلی می یابد اکنون به بعضی از قصص قرآنی که در آن به عبادات اشاره شده می پردازیم

- **نماز:** یکی از ارکان اسلام پس از اصول اعتقادی ، نماز می باشد . که در قرآن کریم و احادیث زیادی بدان اشاره شده است پیامبر عظیم الشان اسلام نماز را از شرایع دین دانسته می فرماید: «نماز از شرایع و احکام دین است و موجب خشنودی پروردگار عزوجل و راه و روش پیامبران می باشد» (ری شهری ، ۱۳۷۰) وقتی حضرت موسی (ع) به کوه طور رفت . خداوند او را به رسالت خویش خبر داد اولین عبادتی را که خدا پس از معرفی خود ، از او درخواست نمود اقامه نماز بود . قرآن کریم خلاصه این داستان را در (سوره ی طه ، آیه ۱۴ - ۹) نقل کرده است .

- **امر به معروف:** یکی از وظایف و رسالتهای پیامبران الهی اقامه فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر بوده و آنان ضمن انجام آن ، راههای عملی و همچنین نتایج مثبت و منفی و عواقب عاملین و متمرکبین را در داستانهایی خویش ترسیم کرده اند . بنابراین می توان یکی از اهداف عبادی قصص قرآنی را همین امر دانست. از همین قبیل است ، نصایح لقمان به پسرش ، حضرت موسی به هنگام دعوت فرعون و بقیه ی انبیاء و اولیاء علیهم السلام به ترتیب و به نوبه ی خود این فریضه ی الهی را انجام می دادند .

- **دعا:** قال رسول الله (ص): «افضل العباد الدعاء» (ری شهری، ۱۳۷۰) یکی از افضل ترین عبادات به فرموده ی پیامبر اکرم (ص) «دعا» و راز و نیاز با خالق بی نیاز است و اساساً یکی از اهداف و فلسفه عبادات ، دیگر ، توجه دادن به این مهم است که انسان این مخلوق فقیر بالذات خواسته های خویش را از خالق هستی بخواهد و برای او هم عبادت نماید.

با یک نگاه کلی می توان اهداف قرآن در بیان داستان را در قالب موارد زیر گنجانند:

- اهداف اعتقادی: بسیاری از داستانهای قرآنی برای ارتباط با مخاطب خود در هر سطح از اندیشه به ویژه برای ارتباط با مخاطب عام صورت بندی شده اند بدین سان اهداف اعتقادی را تبیین کرده تا احاد مومنین برای اندیشه خود بنیادی از تبیین الهی داشته باشند تبیین اصول دین به ویژه توحید، نفی شرک، رسالت، هدایت و... اهداف اخلاقی و تربیتی: در قرآن فضائلی چون توکل، تقوا صبر و.. وجود دارد همچون داستان ایوب که نمونه بارزی از صبر، توکل، خلوص و تقوا می باشد. اهداف عبادی: در داستانهای قرآنی وجود تأثیر مسائل عبادی به خوبی دیده می شود داستانهایی همچون داستان قوم لوط که لزوم امر به معروف و نهی از منکر به خوبی نشان داده شده یا داستان یوسف (ع) در جهاد اکبر با نفس. (مهاجر، یاسینی؛ شریعتی، ۱۳۹۲).

۳-۴ فلسفه قصه های قرآنی

قصه های قرآنی چون بر منبع وحی متکی است. از ویژگی های بسیار انحصاری نیز برخوردار می باشد؛ زیرا این قصه ها را کسی بیان می کند که بر همه جزئیات ظاهری و باطنی و آشکار و نهان، آگاه و خبیر است و می تواند تحلیل کامل و دقیقی از وضعیت ارائه دهد. قصه های قرآنی، قصه هایی است که فرصت تفکر و تدبیر را فراهم می آورد و راه را از چاه نشان می دهد. برای درک و فهم قصه های قرآنی نگاهی به فلسفه ای که قرآن برای آن بیان کرده می تواند راهگشای خوبی باشد. از این رو، در این بخش به فلسفه قصه های قرآنی از زبان قرآن و خداوند اشاره می شود.

- **آرامش:** خداوند در آیاتی از جمله آیه ۳۴ سوره انعام و ۱۰۱ سوره اعراف و ۴۹ و ۱۲۰ سوره هود و ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره یوسف، ذکر قصه های حقیقی از پیامبران در قرآن برای حضرت پیامبر (ص) و مخاطبان قرآن را عاملی مهم در ایجاد آرامش و تقویت آن برمی شمرد و می فرماید که این قصه های حقیقی، موجبات قوت قلب آن حضرت (ص) را فراهم می آورد. بنابراین خوانندگان مؤمن قرآن نیز از این قصه ها به آرامش خاطر خاصی می رسند که شباهت خاصی با آرامش حاصل در پیامبر (ص) خواهد داشت؛ زیرا آگاهی از تاریخ گذشتگان به طور واقعی و مشکلات و موفقیت های آنان، روحیه آدمی را به گونه ای بازسازی می کند که دیگر خوف و حزنی برایش باقی نمی ماند.

- **دلداری:** تسلی بخشیدن خداوند به پیامبر (ص) به علت مخالفت مردم با وی با بیان مکرهای برادران یوسف (ع) که در آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره یوسف آمده و نیز از طریق بیان قصه های نوح (هود/ آیات ۴۸ و ۴۹) و قصه اصحاب کهف (کهف/ آیات ۹ و ۱۰) یکی از اهداف قصه های قرآنی و بیان فلسفه آن است.

- **اتمام حجت:** از دیگر اهداف بیان قصه های قرآنی، از جمله قصه های اصحاب رس و نحوه نابودی شان به سبب مخالفت با آموزه های وحیانی پیامبران، اتمام حجت به مخاطبان مخالف می باشد. خداوند در آیاتی از جمله ۳۷ و ۳۸ سوره فرقان و ۱۲ و ۱۴ سوره ق به این هدف و فلسفه اشاره می کند.

- **استقامت:** بی گمان توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان، زمینه را برای تغییر روحیه و ایجاد روحیه استقامت و پایداری در مسیر توحید هموار می سازد. از این رو خداوند، قصه های قرآنی را دارای این ویژگی برمی شمرد و هدف از بیان آنها را دستیابی به این هدف در مؤمنان برمی شمرد. (هود/ آیات ۴۹، ۱۰۰ و ۱۱۲)

- **تذکر:** نقل سرگذشت پیشینیان، سبب یادآوری و بیدارباش مخاطبان است. بر همین اساس خداوند، قصه ها و سرگذشت راستین پیامبران و مردمانی را مطرح می کند که در گذشته زندگی کرده اند. از آنجایی که تاریخ به گونه ای تکرار می شود و رفتارهای هر شخص و یا امتی، در شرایط هر چند متفاوتی، همان تأثیرات پیشین را به جا می گذارد، خداوند قصه های واقعی پیشینیان را مطرح می کند تا هشدار برای مخاطبان باشد و مسیر حق را شناخته و در آن گام بردارند و حرکت در مسیر باطل که سرنوشت نکبت و ذلت را به همراه دارد خودداری ورزند. (هود/ آیه ۱۲۰ و نیز طه/ آیه ۹۹)

- **تفکر:** پیامبران از جمله پیامبر (ص) موظف به تبیین قصه های افرادی از جمله بلعم باعورا است تا مخاطبان را به تفکر وادارد؛ زیرا وی از عالمان یهودی بود که با دستیابی به مقدماتی از بصیرت و قرب، به سوءاستفاده از علم و دانش خویش پرداخت و آن را علیه حضرت موسی (ع) و راه حق به کار گرفت و خداوند وی را مجازات سختی نمود. (اعراف/ آیات ۱۷۵ و ۱۷۶) از آنجایی که داستان بنی اسرائیل با امت اسلام مشابهت های بسیاری داشته و یا خواهد داشت و به فرمایش پیامبر (ص) *طابق النعل بالنعل*، هر آنچه برایشان رفته بر سر امت محمد (ص) خواهد رفت، خداوند قصه آنان را در بخش عمده ای از قرآن نقل می کند تا زمینه تفکر درباره ایشان برای امت محمدی (ص) فراهم آید. (بقره/ آیه ۷۳) در همین زمینه داستان حضرت ایوب (ع) زمینه تعقل و اندیشه امت است (ص/ آیات ۴۱ و ۴۳) چنان که داستان بقره و کشته شدن و احیای وی به مالیدن بخشی از بدن گاو ذبح شده، نیز از عوامل تفکری بشر است که در آیات ۶۷ و ۷۳ بیان شده است. به هر حال، هدف از قصه های قرآن برانگیختن تفکر و اندیشه مخاطبان است که در این آیات و آیاتی دیگر بیان شده است.

- **حکمت:** بیان داستان موسی (ع) و خانواده اش در کوه طور براساس هدف و مصلحتی حکیمانه و سازنده است که در آیات ۶ و ۷ سوره نمل بدان توجه داده شده است بنابراین می توان گفت که تبیین حکمت از اهداف و فلسفه های قصه های قرآنی است.

- **حقانیت پیامبر (ص):** بیان داستان طالوت و هلاکت جالوت از طرف خداوند، برای پیامبر (ص) نشانه ای از حقانیت رسالت است.

آن حضرت(ص) است که در آیات ۲۴۹ و ۲۵۱ و ۲۵۲ سوره بقره به آن اشاره شده است.

- **حقانیت معاد:** بیان قصه ها و سرگذشت های اصحاب کهف به هدف تبیین حقانیت معاد و از میان بردن تردیدها و زمینه های ایجاد آن، از جمله فلسفه های قصه های قرآنی است که در آیه ۲۱ سوره کهف به آن توجه داده شده است.

- **خداشناسی:** در قصه های قرآنی، امور بسیاری از جمله خداشناسی مورد توجه است. به این معنا که در قصه های یوسف(ع) و برادرانش، می توان نشانه های روشنی برای خداشناسی یافت (یوسف/ آیه ۷) چنان که در قصه سرگذشت ابراهیم(ع) و لوط(ع) و اقوام ایشان، این نشانه ها را می توان یافت. (حجر/ آیات ۵۱ و ۷۵ و ۷۷) همچنین می توان نشانه های روشنی از خداشناسی را در داستان مردم سبا و علل فروپاشی و انهدام آن دولت و تمدن یافت که خداوند به صراحت این مطلب را در آیاتی از جمله ۱۵ تا ۱۹ سوره سبا بیان کرده است.

- **فهم:** از جمله فلسفه قصه های قرآنی می توان به نقش داستان و تمثیل های واقعی و حقیقی در تفهیم حقایق اشاره کرد. از این رو بسیاری از مردم برای تفهیم حقایق و مطالب علمی از داستان و تمثیل بهره می گیرند. (ذاریات/ آیات ۲۳ و ۲۴)

- **عبرت گیری و پندآموزی:** شاید هنگامی که از فلسفه قصه سخن به میان می آید نخستین چیزی که به اذهان آدمی تبادر می کند، تأثیر قصه در حوزه عبرت و پندآموزی است. خداوند نیز در آیاتی از جمله ۵۱ و ۵۷ و ۷۷ سوره حجر و ۱۵ تا ۱۷ سوره سبا و ۳۷ تا ۴۰ سوره ذاریات به این کارکرد قصه توجه داشته و بر اساس آن، قصه های قرآنی را بیان می کند. بر این اساس در آیات ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره یوسف، بیان داستان پیامبران و امت های ایشان را مایه عبرت خردمندان برمی شمارد و در آیات ۱۷۶ تا ۱۹۰ سوره شعراء بیان سرگذشت شعیب و مردم «ایکه» را در بردارنده درسی بزرگ و عبرت آموز برای دیگران می داند. در آیات بسیار دیگری از جمله ۱۰ و ۱۱ سوره شعراء، ۱۵ تا ۳۶ سوره نازعات، ۱۳ و ۲۰ سوره یس، این فلسفه را مورد توجه قرار داده و بر عبرت آموزی دیگران از این قصه های قرآنی تأکید می کند.

- **موعظه و پند:** نقل سرگذشت پیامبران گذشته به هدف موعظه برای مومنان و مخاطبان باورمند، از دیگر فلسفه هایی که خداوند برای قصه های قرآنی بیان می کند. (هود/ آیه ۱۲۰)

- **عبودیت:** بی گمان بیان قصه هایی خاص از جمله قصه حضرت عیسی(ع) موجب می شود تا عبودیت و بندگی خداوند در آدمی تقویت شود. از این رو فلسفه برخی از قصه های قرآنی را ایجاد عبودیت و بندگی خدا در مخاطبان خود معرفی می کند. (زخرف/ آیات ۵۷ و ۵۹، ۶۳ و ۶۴)

- **علم:** پیدایش آگاهی و زدودن هرگونه ابهام از مقاطع پنهان تاریخ از دیگر فلسفه هایی است که خداوند در آیاتی از جمله ۴۴ سوره آل عمران، ۹۴ سوره توبه، ۴۹ سوره هود و ۱۲ و ۱۰۲ سوره یوسف و نیز ۲ و ۳ سوره قصص، برای قصه های قرآنی برمی شمارد. علم و آگاهی پیامبر(ص) نیز از جمله فلسفه های بیان قصه های قرآنی است که در آیات ۲۵ و ۴۹ سوره هود و نیز ۳ و ۴ سوره یوسف به آن اشاره شده است. آنچه بیان شد، دیدگاه قرآن از علت و فلسفه بیان قصه های قرآنی است.

دربخش دوم سعی می شود نقش و فلسفه قصه های قرآنی در تربیت کودکان تبیین گردد

۳-۵ بهره گیری از قصه های قرآن در پاسخگویی به نیازهای مختلف کودکان و پرورش هوش هیجانی آنها :

قصه های قرآنی نقش عمده ای در زمینه نیازهای عاطفی، اجتماعی، شناختی، و پرورش تربیت دینی و عبرتگیری کودکان دارند که با توجه به آیات قرآن و بررسی قصه هایی که در قرآن مطرح شده می توان به این نیازها پاسخ گفت در بررسی نیازهای کودکان و نوجوانان، ابتدا باید تعریفی از نیاز ارائه نمود تا بر اساس آن به دسته بندی یا تقسیم بندی نیازها و پاسخگویی مناسب به هر کدام پرداخت.

نیاز عبارت است از نیرویی که از ذهن و ادراک انسان سرچشمه می گیرد و اندیشه و عمل را چنان تنظیم می کند که فرد به انجام رفتار می پردازد تا وضع نامطلوبی را در جهتی مطلوب تغییر دهد و حالت نارضایتی را به رضایت و ارضای نیاز تبدیل نماید. فرد نیازمند دارای حالت ناخوشایند است که پس از برآورده شدن نیازش از استرس و فشار روانی خارج شده و حالات خوشایندی برای وی ایجاد می شود. (علاء الدین، ۱۳۸۴).

با توجه به آیات قرآن کریم نیازهای انسانی که به آنها پاسخ گفته شده مشخص می شود:

سوره شعراء آیات ۷۸ تا ۸۳ / سوره عیسی آیات ۲۴ تا ۳۲ / سوره نازعات آیات ۲۸ تا ۳۳ / سوره نبا آیات ۶ تا ۱۶ / سوره نوح آیات ۱۱ تا ۲۰ / سوره طلاق آیات ۱۱ و ۱۲ / (خروج از ظلمات گناه و رسیدن به نور و رستگاری و سعادت) سوره مریم آیه ۹۶ (رسیدن به محبوبیت) سوره نحل آیه ۹۷ (رسیدن به حیات طیبه) / سوره دخان آیه ۵۱ (رسیدن به مقام امنیت) / سوره صافات آیه ۴۰ (امنیت از گزند شیاطین جنی و انسی)

بنا بر نیازهای گوناگون کودکان و نوجوانان به چهار نیاز ویژه آنان با توجه به آیات قرآنی بسنده می کنیم

۱-۵-۳) نیازهای عاطفی:

دوست داشتن و مورد محبت دیگران قرار گرفتن از نیازهای مسلم هر انسان است و این نیاز در کودکان و نوجوانان کاملاً محسوس است؛ اگر فرصت محبت کردن برای آنها فراهم شود، یقیناً توانایی جلب توجه دیگران و ایجاد فرصت برای اینکه

دیگران نیز بتوانند آنان را دوست داشته باشند و به آنان توجه کنند نیز به وجود خواهد آمد. البته همه انسان ها بالقوه دارای این نیاز عاطفی هستند ولی همه آنها توانایی ابراز محبت خود به دیگران و توانایی جلب محبت دیگران را ندارند. این ناتوانی ممکن است نتیجه محرومیت از محبت کافی در دوران کودکی، و ریشه بسیاری از مشکلات روحی در نوجوانانی و بزرگسالی باشد. یکی از راه های ارضای این نیاز و فراهم کردن امکان چشیدن طعم شیرین محبت کردن و محبت دیدن، استفاده از داستان هایی است که رنگ و بوی عاطفی دارند مانند: قصص انفاق افطاری (آیات ۶ تا ۱۲) سوره انسان حضرت امیرالمؤمنین و خانواده

داستان بخشش افطاری خانواده حضرت علی و فاطمه از روی محبت فرزندانشان حسن و حسین به عنوان دو نوجوان که تازه از بستربیماری برخاسته اند و بر اساس نذر پدر و مادر سه روز روزه گرفته اند، در سه روز پیاپی - افطاری خود را از روی محبت به خانواده ای مسکین، خانواده ای یتیم و خانواده ای اسیر می دهند، بدون اینکه از آنها انتظار تشکر داشته و صرفاً برای جلب رضایت الهی آن چه را که دوست می داشتند غذایی را که نیاز مبرم و حیاتی آنها بود همان را در راه خدا انفاق کردند و مصداق اتم و اکمل ایثارگران و انفاق گران در راه خدا و ابرار شدند. قصه حضرت یوسف (ع) که پس از همه حسادت و دشمنی ها که توسط برادرانش دید و او را به چاه انداختند و موجبات اسارت، بردگی و به زندان افتادن او شدند، منتها یوسف (ع) پس از اینکه از زندان آزاد شد و به مسئولیت دست یافت، هیچگاه در صدد انتقام از برادران خود بر نیامد و آنها را مورد لطف و محبت خود قرار داد (آیات ۴ تا ۹۹ سوره یوسف به داستان یوسف پرداخته است)

قصه حضرت مریم (مادری معصومه) که قرآن، چگونگی احساسات عاطفی او را در دوران کودکی و در دوران کودکی فرزند گرانقدرش حضرت عیسی (ع) مطرح میکند. مادری که در اوج تنهایی ظاهری و شدائد و سختی ها و حرف های ناگوار مدرم و تهمت ها با محبتی هر چه تمام تر به پرستاری کودکش می پردازد و با عکس العملی آگاهانه، شخصیت خود و فرزندش را معرفی می کند (آیات ۴۰ تا ۵۰ سوره آل عمران)

۲-۵-۳ نیازهای اجتماعی

در دنیای رو به تحولی که در آن، ارتباط و توانایی برقراری ارتباط با دیگران نقش عمده ای در موفقیت مردم دارد باید به نیازهای اجتماعی توجه بسیار شود. کودکان و نوجوانان در صورتی که بتوانند با بزرگسالان، یا با همسایگان، افراد بیگانه، معلم و با والدین خود ارتباط مناسب برقرار کنند، قادر خواهند بود بسیاری از نیازها و مشکلات خود را در زندگی برطرف کنند. معمولاً این افراد در برخورد با دیگران از اعتماد به نفس لازم برخوردارند و می دانند مشکلی را که در رابطه با دیگران یا در همکاری با دیگران دارند، چگونه حل کنند. داشتن فرصت کافی برای برخورد با دیگران به تدریج امکان شناخت ها و توانایی برقراری ارتباط با شخصیت های مختلف را فراهم می آورد در این تعامل و برخورد با جامعه ضمن شناخت از خود، اعتماد به نفس پیدا می کنند که کلید اصلی حل بسیاری از مشکلات و زیر بنای یک زندگی اجتماعی سالم است. از جمله عوامل مؤثر در ساختن زندگی اجتماعی سالم و توانایی ارتباط با دیگران، مطالعه داستان های قرآنی یا شنیدن آنها از مربیان یا والدین با شیوه های صحیح می باشد. داستان های قرآنی که متناسب با سن و سال کودکان و نوجوانان قابل طرح و پردازش می باشند عبارتند از:

الف- داستان مباحله:

حسن بن علی (ع) و حسن بن علی (ع) دو کودک همراه با پدر و مادر و پدر بزرگ جهت انجام مراسم دعا و مباحله و دعوت مسیحیان نجران به سمت اسلام و تبعیت از حکومت اسلامی (آیات ۶۱ و ۶۲ سوره آل عمران)

ب- داستان تطهیر:

حضور حسن بن علی (ع) و حسین بن علی (ع) دو کودک همراه با پدر و مادر در زیر عبای پیامبر و معرفی آنها به عنوان افراد مطهر و پاک و منزله از هر آلودگی. (آیه ۳۳ احزاب) داستان جذابی می شود که هر کودک و نوجوانی را مجذوب حسنین (ع) می کند.

ج- داستان پیامبران (داستان دوران کودکی - نوجوانی و جوانی پیامبران همچون ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع)، داود (ع) یحیی (ع)، یوسف (ع) و حضرت محمد (ص) و داستان اصحاب کعبه. (علاء الدین، ۱۳۸۴).

اینگونه داستان ها ضمن اینکه مشوق کودکان و نوجوانان برای حضور در فعالیت های اجتماعی است میزان توان تطبیق و قدرت هماهنگی و همگامی آنها را با دیگران در حرکت های اجتماعی افزایش داده و حس اعتماد به نفس و عزت آنها را تقویت نموده و طبعاً احساس امنیت اجتماعی آنها را افزایش می دهد عزت نفس و احساس امنیت اجتماعی آنها را تأمین می نماید.

۳-۵-۳ نیازهای شناختی: افزایش مهارت پرسشگری و پرورش روحیه خلاقیت در کودکان:

قصه گویی برای افزایش خلاقیت دانش آموزان مفید است و می تواند در خدمت آموزش قرار گیرد داستانهای قرآنی، اعتقاد به خدا و فهم مسئله معاد را تقویت و آسان می کند، فرایند رشد ذهنی را فعال می سازد، موجب تفکر و اندیشیدن خلاق در فراگیرندگان می شود و به الگو پذیری مثبت کمک می کند. (اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶).

در عرصه ادبیات کودک و نوجوان، آن جا که قوه خیال تا دور دست ها پرواز می کند و فانوسک های حیرت و حکمت خوش می درخشد، قصه ها و حکایت های شیرین قرآنی بر روح لطیف مخاطبانش نیک می نشیند و بر آینه صاف روحشان نقش می بندد و تا مدت ها، بی آن که زنگار گرفته باشد، رخ می نماید و جلوه گر می شود، چرا که به نظر می رسد وقتی خداوند در قرآن کریم از کامل ترین قصه هایش همچون داستان یوسف و ابراهیم و نوح و قارون و ... سخن می گوید، به تعبیری در حال دعوت از مخاطبان خود به این امر است که در لابه لای آن ها نمودی از دنیای حال خود را بگنجانند. آیا کودکان ما در زمان خود افرادی چون فرعون ستمگر، قارون مال اندوز، شداد ظالم یا موسی و هارون و ... ندارند؟ آن ها برای مبارزه با مصادیق زر و زور زمان چه می توانند کرد؟ این پرسش ها و صدها پرسش و آیای دیگر با شنیدن حکایات زیبای قرآنی در ذهن کودک ایجاد شده، بدین گونه نیروی پرسشگری و تفکر انتقادی را در وی تقویت می کند. (موید نیا، ۱۳۸۷).

لذا روش قصه گویی به گونه ای است که باعث تحریک کنجکاو و پرسشگری می شود هدف اصلی قرآن از نقل قصه ها، عبور دادن انسان از گذرگاه های تاریک و ترسناک و رساندن او به سرزمین روشنایی و هدایت است برای نمونه داستان حضرت موسی (ع) با این مقدمه ی استقهامی آغاز می گردد "هل اتیک حدیث موسی... بدیهی است که این استقهام برای کسب خبر نیست بلکه مقدمه یک خبر مهم است. شروع قصه با این گونه استقهام خواننده را ترغیب می کند که با تمام وجود خود را برای شنیدن داستان آماده کند (سید قطب، ۱۳۶۰). یا در سوره "ص" (آیات ۱۷-۲۰)، در معرفی شخصیت حضرت داوود با پرسش استقهامی آغاز می شود یا در داستان حضرت ابراهیم (ع) (ذاریات/۲۴)، با پرسش استقهام آغاز می شود اینها نشان می دهد که خداوند انسان را لایق شناخت می داند و از این روش برای تفکر و داشتن انسان استفاده کرده است تا انسان با قوه تعقل به جستجوی پاسخ آنها برآید لذا استقهام قرآنی تاکید چشمگیر و بدون قید و شرط بر جنبه عقل ورزی دارد. ابیض سلمان (به نقل از اسکندری و کیانی، ۱۳۸۶).

۴-۵-۳ پاسخ به نیازهای دینی و پرورش ایمان مذهبی و عبرت گیری از زندگی گذشتگان.

قصه های قرآنی با حالات و تأثیرگذاری اعجاب انگیزشان، فطرت خداجوی پاک و معصوم کودکانرا افتناع کرده، از آن ها انسان های با ایمان و متقی می سازد. از سوی دیگر، صبر و توکل، آرامش و انبساط خاطر، اجتناب از معاصی، ایجاد اخلاق پسندیده و کرامات و فضائل دیگر نیز از آثار تربیتی همین ایمان مذهبی و تقواست که تحت تأثیر تدبیر و تفکر در قصص قرآنی، در روح و روان کودک شکل می گیرند. (موید نیا، ۱۳۸۷).

یکی از شیوه های مؤثر در تربیت کودکان و نوجوانان «روش الگویی» است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می کند و تحت تأثیر مشاهده از رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آن همساز می کند تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی با الگو شکل می گیرد. کودک در چندسال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر اویند، الگوبرداری و با تقلید از آنان رشد می کند و ساختار تربیتی اش سامان می یابد؛ از این رو «الگو» در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک نقش به سزایی دارد. در واقع غریزه تقلید، یکی از غرایز نیرومند و ریشه دار انسان است. به برکت وجود همین غریزه است که کودک بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز تکلم، ادای کلمات و جمله ها را از پدر و مادر و سایر معاشران فرا می گیرد و بکار می بندد. چشم و گوش کودکان و نوجوانان چون دریچه های باز است، می بینند، می شنوند و ذهنشان چون آینه ای است که هر چیزی در آن منعکس می شود با این تفاوت که آینه، عکس اشیا را در خود نگه نمی دارد، ولی ذهن کودکان و نوجوانان این ها را در خود نگه می دارد. بنابراین والدین و مربیان می توانند فعالیت ها و رفتارهای دینی و مذهبی خود را به گونه ای هماهنگ کنند که فرزندان متوجه شوند و الگوی ذهنی آنان را در انجام این امور شکل دهند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶).

در قرآن کریم استفاده از الگو و اسوه به عنوان یکی از مهم ترین روش های تربیتی مطرح است. قرآن نمونه های زیادی را بیان کرده که بیانگر تأثیر فراوان این روش در یادگیری و شکل گیری شخصیت انسان ها دارد. به عنوان مثال، آن جایی که داستان قابیل را نقل می کند که بردارش هابیل را کشت، اما نمی دانست که با جسد برادر چه کند، در اینجا خداوند کلاغی را فرستاد که مشغول کردن زمین شو و کلاغ مرده را دفن کند. قابیل از کلاغ آموخت که چگونه برادر را زیر زمین پنهان سازد. خداوند در قرآن به طور صریح رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله را به عنوان الگو معرفی می کند و می فرماید: «البتة شما را در اقتدای به رسول خدا چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو، خیر و سعادت بسیار است برای آن کسی که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند» (احزاب/۲۳)

همچنین از اهداف تربیت الهی، این است که انسان وقتی به تاریخ و حوادث روزگار و تطورات آن می نگرد، عبرت بگیرد. عبرت گرفتن، یعنی از صفات بد به صفات خوب عبور کردن. اگر کسی حوادث روزگار را ببیند و از صفت بد به صفت خوب نرسد، نمی گویند او عبرت گرفت؛ بلکه می گویند تماشا کرد؛ ولی اگر از صفت بد به زشتی به نیکی رسید؛ می گویند

اعتبار و عبرت گرفت. لذا **قصه های قرآنی**، سرگذشت گذشتگان را پیش روی بشر می‌نهد تا بوسیله آن فرجام و سرنوشت خویش را رقم زندان جمله مشهور که «تاریخ تکرار می‌شود» زمینه‌ای است تا در سخنان، رفتارها، فراز و فرودها، سر بر کشیدن‌ها و سر فرود آوردن‌ها و اسباب رشد و انحطاط تمدن‌های پیشین، کنکاش و تدبیر نموده، بتوانند رمز بقای مادی و معنوی خویش را بیابند. قرآن اصرار دارد با توجه کردن و تأمل در رویدادهای گذشتگان و سیر آفاقی (مکانی و زمانی) به عبرت‌اندوزی برای شکل دادن صحیح به زندگی خویش بپردازیم اینکه در بیش از ۳۰ سوره قرآن و افزون بر ۱۳۰ مرتبه نام موسی علیه السلام و ماجرای قوم بنی اسرائیل مطرح می‌شود، نشان از تناسب‌های بیشماری میان قوم موسی (ع) و امت اسلامی در اعصار گوناگون دارد و ماجرای آنان دستمایه ارزنده‌ای است برای عمل دیگران

(غافر/۸۲). «أفلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة اللذین من قبلهم»

(نحل/۲۹). «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین»

(نحل/۳۰). «فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین»

(یوسف/۱۱۱). (مرویان حسینی، ۱۳۸۴). «لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الالباب»

در قصص قرآن به عبرت‌آموزی از زندگی گذشتگان اشاره شده که هدف بخش قابل ملاحظه‌ای از این داستان‌ها ترغیب خردورزی انسان در جهت فهم نکات و امور مشترک در زندگی انسان‌ها و دوری از مصائبی است که پیشینیان به سبب دوری از خدا و گرفتاری به گناه و معاصر به آن‌ها دچار شده‌اند. به بیان دیگر، ذکر سرگذشت پیشینیان در قالب قصه و داستان از زبان قرآن، که کهن‌ترین و اصیل‌ترین سند اسلامی است، چه داستان آن‌هایی که توانسته‌اند پا در صراط مستقیم نهاده و با پیروی از عقل و مقابله با نفس اماره به اوج توانایی و مبارزه با نفسانیات برسند، و چه آنانی که با خودباختگی در دریای کبر و غرور غوطه‌ور گردیده و در منجلاب معصیت و گناه فرو رفته‌اند، می‌تواند چون مشعلی پیش روی انسان‌ها در تمامی اعصار و دوران‌ها روشنگر و هدایتگر باشد تا با استفاده از آن‌ها و تشخیص درست، خود را به سر منزل مقصود برسانیم. (اسدی توپسرکانی، ۱۳۸۵).

از سوی دیگر، از آن‌جا که اساساً رشد و شکوفایی و تکامل هر توانایی و استعدادی منوط بر به کارگیری آن است، قرآن کریم ضمن بیان داستان زندگی پیشینیان، همواره به انسان توصیه می‌فرماید که از توانایی تفکر خود در مسیر زندگی و بهره‌گیری از تجارب دیگران و به منظور باروری و تکامل هر چه بیش‌تر نیروی عقل خود استفاده کنند. شاید از همین روست که خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبرش می‌فرماید: «پس بشارت ده به بندگان که سخنان (مختلف) را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌نمایند که آنان خردمندانند». (زمر/۸)

به علاوه، در لابه‌لای قصص قرآنی، برخی از مهم‌ترین عوامل رکود اندیشه مانند سنت‌گرایی کورکورانه و تعصبات جاهلانه، شخصیت‌گرایی، دلبستگی‌های غیر منطقی، همچون ثروت و مقام و هواپرستی و خودبینی و ... معرفی شده و نکوهش گردیده‌اند.

همچنین قصه های قرآنی در چهار حیطة هوش هیجانی یعنی درک عواطف و احساسات خود و دیگران و وکنترل احساسات و عواطف (با توجه به سوره صافات و سوره شمس و طه) و مهارت های اجتماعی (تنظیم روابط خود با دیگران) (با توجه به سوره هود). خوش بینی و نگرش مثبت (با توجه به سوره یوسف) تاثیر دارند لذا آموزش هوش هیجانی به وسیله قصه گوئی و به واسطه قصه های قرآنی موجب بروز رفتارهایی از قبیل درک بهتر مشکلات عاطفی همسن و سال های خود و احساس همدردی با آنها، درک عواطف خود مانند شادی، غم و خشم، کنترل هیجانات خود به خصوص کنترل خشم، پرخاشگری نسبت به کودکان دیگر، برقراری تعامل اجتماعی مناسب و پیش قدمی در زمینه برقراری ارتباط با دیگر کودکان و ... است در واقع طراحی خوب قصه های قرآنی به گونه ای که برای کودکان قابل فهم باشد می توان موجب اصلاح رفتار آنها شود. (هویدا و همایی، ۱۳۸۸)

۴- نتیجه گیری

قصه و روش قصه گوئی و بهره گیری از قصه های قرآنی در تربیت انسان موثر می باشند چرا که یکی از ابزارهای مهم اصلاح رفتار و شکل دهنده شخصیت انسان است. امروزه به قصه ها به عنوان یک هنر تربیتی نگاه می شود و توجه بسیاری از اندیشمندان و روانشناسان را به خود جلب نموده است این در صورتی است که خداوند قبل از اینها و در گذشته و در لابه لای قصص قرآنی با این مهم اشاره کرده است و خود را به عنوان اولین قصه سرا معرفی نموده و با ارائه اسوه های حسنه مضامین تربیتی را در تمامی زمینه ها تبیین کرده است. براین اساس با بهره گیری از مفهوم و اهداف و فلسفه قصه های قرآن می توان به نیازهای گوناگون کودکان پاسخ گفت و به افزایش مهارت های اجتماعی، عاطفی، شناختی و تربیتی دینی آنها کمک نماید

پیشنهادات

با توجه به ساحت های شش گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و لزوم توجه به انسان در تمام ابعاد وجودی و پیشنهاد می شود از قصه های قرآنی در افزایش مهارت های اجتماعی، عاطفی، شناختی و تربیت دینی فراگیران بهره گیری شود

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه . دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه/نامه ۳۱. قم: انتشارات ایران.

- اسدی توپسرکانی، سهراب (۱۳۸۵). قصه های قرآن. تهران: انتشارات عقیل.

- اسکندری، حسین؛ کیانی، ژاله (۱۳۸۶). تاثیر داستان بر افزایش مهارت فلسفه ورزی و پرسش گری. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال دوم، شماره ۷.

- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). مجموعه مقالات نماز و خانواده. جلد اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان

- حسینی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). مبانی هنری قصه های قرآن. قم: دارالکتب

- سلیمان نژاد، اکبر؛ سودی، حورا (۱۳۹۲). بررسی تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی از طریق قصه های قرآنی بر کودکان. روانشناسی ودین، سال ۷، شماره ۲، پیاپی ۲۶.

- سید قطب، محمد (۱۳۶۰). آفرینش هنری در قرآن. ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: انتشارات بنیاد قرآن

- علاء الدین، محمد رضا (۱۳۸۴). نقش داستان های قرآنی به نیازهای تربیتی کودکان و نوجوانان. علوم قرآن و حدیث: کوثر، شماره ۱۶.

- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۰). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: دارالحدیث

- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ ش.

- ملبوبی، محمد تقی (۱۳۷۶)، تحلیلی نو از قصص قرآن، تهران: امیرکبیر، چاپ اول

- مهاجری، محمد کاظم؛ یاسینی، محمد رضا؛ شریعتی، مسعود (۱۳۹۲). تفکر انتقادی و نقش داستان در پرورش آن (با رویکرد تربیت دینی کودکان). مجله بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۰، شماره ۲۶.

- موید نیا، فریبا (۱۳۸۷). بررسی آثار تربیتی قصص قرآنی بر اندیشه و تخیل کودکان و نوجوانان. مجله پیوند، شماره ۳۵۲.

- مرویان حسینی، سید محمود (۱۳۸۴). اهداف تربیتی در قصه های قرآن، مجله پژوهش های قرآنی، شماره ۴۱.

- هویدا، رضا؛ همایی، رضا (۱۳۸۸). تاثیر قصه های قرآنی بر هوش هیجانی کودکان. مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره یازدهم، شماره ۱.



اولین کنفرانس ملی



CIVILICA

تازه های روانشناسی تکاملی و تربیتی

The first conference on **developmental and educational psychology**

